

عوامل مؤثر در اعتماد سیاسی: پیمایشی میان دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف

* ابوتراب طالبی

** سیامک حیدری

*** سیاوش فاطمی نیا

چکیده

هدف مطالعه حاضر بررسی عوامل مؤثر در اعتماد سیاسی دانشجویان و چگونگی تأثیر عواملی چون دینداری، عام‌گرایی، مشارکت در انجمن‌های دولتی، میزان ارزش‌های مادی و غیرمادی، میزان استفاده از رسانه‌ها و

* دکتر ابوتراب طالبی عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی می‌باشد. (tatalebi@yahoo.com).

** سیامک حیدری دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی سیاسی از دانشگاه علامه طباطبایی می‌باشد. (syamak.hidari@gmail.com).

*** سیاوش فاطمی نیا کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی می‌باشد. (fateminia_siavash@yahoo.com).

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۲/۸

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۷/۲۲

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال سوم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۸۷، صص ۲۰۸-۱۷۹.

دینداری بر اعتماد سیاسی دانشجویان بوده است. در همین راستا یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ۳۷ درصد دانشجویان دارای اعتماد سیاسی بوده‌اند. همچنین نتایج نشان می‌دهد متغیرهای دینداری، ارزش‌های مادی و فرامادی، استفاده از رسانه‌ها و دینداری، رابطه معنی‌داری با اعتماد سیاسی دانشجویان داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی، اعتماد سیاسی، عام‌گرایی، ارزش‌های مادی و غیرمادی، دینداری.

مقدمه

اعتماد اجتماعی به عنوان بخشی از سرمایه اجتماعی منابعی را در اختیار کنشگران قرار می‌دهد تا به برقراری روابط اجتماعی بپردازند. در واقع در هر رابطه اجتماعی چه در قالب روابط اعضای یک گروه کوچک دوستانه و چه در میان اعضای که مواضع گوناگونی را در جامعه اشغال کرده‌اند، ویژگی اعتماد، کم‌وبیش مفروض است. کارکرد اعتماد این است که روابط را تسهیل و دوام آن را بیشتر می‌کند.

از این میان، یکی از عرصه‌هایی که مسئله اعتماد در آن مطرح است، عرصه روابط مردم و حکومت است. در همین رابطه برای مردمی که اعتماد می‌کنند می‌توان مواهبی چون: برقراری و برخورداری از امنیت، برخورداری از نظم، منافع مستقیم یا غیرمستقیم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، ارتباط همیشگی، عدم جدایی از حکومت و ارائه پیشنهادها و نظرها برای بهبود هرچه بهتر امور مختلف را برشمرد. برای اعتمادشونده نیز این می‌تواند امتیازاتی نظیر: دوام و بقای حکومت بدون توسل به زور و خشونت، رضایت مردم، حساب کردن روی حمایت مردم در تصمیم‌های حساس حکومتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشته باشد.

اعتماد رضایت را جایگزین سرکوب و زور می‌کند و حکومتی که به نحوی اعتماد مردم را جلب کرده باشد، در معادلات جهانی در طرف برتر قرار می‌گیرد، ژست بین‌المللی حکومتی معتمد و بسیار مقتدرانه‌ای را به خود می‌گیرد و در نتیجه در تعاملات بین‌المللی می‌تواند مقتدرانه برخورد کند. همچنین در بُعد داخلی، تنش‌ها جای خود را به آرامش می‌دهند و بستری برای فعالیت‌های مورد نیاز مهیا

می‌شود. بنابراین اعتماد یک کالای اجتماعی مانند هواس است که باید حفظ شود زیرا اگر مخدوش شود، جامعه به‌عنوان یک کلیت زیان می‌بیند و رو به زوال خواهد گذاشت. به همین دلیل افول اعتماد یکی از مشکلات و مسائل محوری در سیاست نوین حکومت‌هاست. بسیاری از اندیشمندان سیاسی به کاهش بسیار شدید اعتماد نسبت به دولت‌ها از دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ در بیشتر کشورهای پیشرفته اشاره کرده‌اند. روند کاهش اعتماد عمومی علاوه‌بر کشورهای پیشرفته، سایر کشورهای جهان از جمله کشورهای جهان سوم را نیز دربر گرفته است.

در ایران نیز اعتماد سیاسی از ابتدای انقلاب تاکنون در نوسان بوده و اغلب رو به کاهش داشته است. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد اعتماد سیاسی که در سال ۱۳۶۵ به ۸۱ درصد رسیده بود، در سال ۱۳۷۳ به ۱۰/۲ درصد رسید.^(۱) در سال ۱۳۷۴ نیز ۸۱ درصد مردم تهران به وعده‌های مسئولین اعتماد کمتری داشتند.^(۲) همچنین تحقیقات نشان می‌دهد میانگین اعتماد سیاسی به مسئولان در سه شهر تهران، مشهد و یزد در سال ۱۳۷۹، ۳۸/۷ درصد بود^(۳) در حالی که در سال ۱۳۸۱، ۸۲/۴ درصد مردم احساس می‌کردند مسئولان قوانین را رعایت نمی‌کنند.^(۴)

در زمینه جوانان و به‌خصوص جوانان دانشجویی که شکل‌گیری اعتماد آنان در همه ابعاد دستخوش دگرگونی‌های عمیقی شده است (که این مسئله در دانشگاه‌ها بر اثر استفاده از دانش‌ها و اطلاعات روز علمی و فرهنگی و تطبیق شرایط اجتماعی موجود با شرایط اجتماعی در دیگر نقاط جهان بسیار محسوس‌تر است)، دیگر اعتماد سیاسی خود را نسبت به حکومت و مشروع دانستن آن را، به گفتمان‌های منحصر در حوزه خانواده و دوستان محدود نمی‌کنند و با بازاندیشی که استفاده از ارتباطات و اطلاعات برای آنان فراهم نموده است، به اعتماد سیاسی خویش نسبت به حکومت جهت و شکل می‌بخشند. بنابراین روشن کردن عوامل مؤثر در اعتماد سیاسی به حکومت در میان جوانان به‌خصوص دانشجویان که آینده جامعه در دستان پُر قدرت آنان رقم می‌خورد و چشم تمامی افراد یک جامعه به تفکر و انتخاب آنها پیوند خورده است، می‌تواند نقش بسیار اساسی در شکل‌گیری اعتماد یا عدم اعتماد سیاسی به یک حکومت و القای آن به آحاد یک جامعه ایفا کند. لذا آسیب‌شناسی این رابطه از ضرورتی اساسی و حیاتی برخوردار است.

چهار چوب مفهومی

با توجه به اینکه اعتماد در سرمایه اجتماعی ریشه دارد و به‌عنوان جزئی از آن محسوب می‌شود، ابتدا به مفهوم سرمایه اجتماعی پرداخته می‌شود، سپس تعاریف و ابعاد مختلف اعتماد مشخص و در همین راستا اعتماد سیاسی که یکی از اجزای اعتماد در بُعد اعتماد انتزاعی آن است، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

جامعه‌شناسان معاصر برای بررسی کمیت و کیفیت روابط اجتماعی از مفهوم سرمایه اجتماعی بهره جسته‌اند. چنانکه پاتنام^۱ نیز اشاره می‌کند، منظور از سرمایه اجتماعی وجود گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که می‌تواند با آسان‌سازی اقدامات هماهنگ، کارایی جامعه را بهبود بخشد؛^(۵) بنابراین اعتماد جزئی از سرمایه اجتماعی است. تعاریف مختلفی نیز از صاحب‌نظرانی چون زتومکا، جانسون، دورکیم، گیدنز، زیمل، روسن باوم، روزنبرگ، یاماگاشی و دیگران در زمینه اعتماد ارائه شده است که با توجه به این تعاریف متعدد، می‌توان مفهوم «اعتماد» را در سه حوزه روانشناسی، روانشناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار داد.

در حوزه روانشناسی، اعتماد به‌عنوان ویژگی فردی مطرح می‌شده و بر احساسات، عواطف و ارزش‌های فردی تأکید می‌شود. در بررسی اعتماد تئوری‌های شخصیت و متغیرهای فردی مورد توجه قرار می‌گیرند؛^(۶) یعنی ویژگی‌های ژنتیکی فرد در بدو تولد و خصوصیت‌های وراثتی که او از والدین خود کسب می‌کند (مانند شخصیت درونگرا یا برونگرا)، با تثبیت در دوران کودکی، شعاع اعتماد خاصی را در فرد ایجاد می‌کند که در آینده سمت‌وسوی اعتماد را به افراد یا به نهادهای دیگر در او مشخص می‌کند.

در مباحث روانشناسی اجتماعی نیز اعتماد نگرشی مثبت به فرد یا امری خارجی در نظر گرفته می‌شود و در مناسبات میان فرد و جامعه اعتماد در سطح افراد نسبت به افراد دیگر (یعنی در یک سطح چهره‌به‌چهره)^۲ یا پدیده‌های بیرونی سنجیده می‌شود. در این دیدگاه، چون اعتماد فرایندی است که در جریان

1. Putnam
2. Face to Face

جامعه‌پذیری آموخته می‌شود، به روابط فردی و اجتماعی که در یک طرف اعتمادشونده و در دیگر سو اعتمادکننده وجود دارد، توجه می‌گردد.^(۸)

رهیافت دیگری که بیشتر در حوزه جامعه‌شناسی مطرح است، اعتماد را به‌عنوان ویژگی روابط اجتماعی یا ویژگی نظام اجتماعی مفهوم‌سازی می‌کند. دیدگاه اخیر برخلاف دیدگاه نخست بر زمینه‌های اجتماعی تأکید می‌کند. در این دیدگاه اعتماد به‌عنوان یک ویژگی جمعی مورد توجه قرار می‌گیرد و بنابراین برای محصولات نهادی جامعه قابل کاربرد است؛^(۸) یعنی هم زمینه‌های اجتماعی مؤثر در اعتماد و هم اعتماد افراد به نهادهای انتزاعی (اعتماد نهادی یا تعمیم‌یافته) را دربر می‌گیرد که چیزی فراتر از روابط چهره‌به‌چهره (اعتماد بین شخصی) افراد است.

بنابراین اگر بخواهیم با توجه به عناصر و ویژگی‌های اعتماد، تعریف ساده‌ای از آن ارائه دهیم، می‌توان گفت: اعتماد اجتماعی بر آن دسته از انتظارات و تعهدهای اکتسابی و تأییدشده از نظر اجتماعی دلالت می‌کند که افراد نسبت به دیگران و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی دارند.^(۹) در یک جمع‌بندی کلی می‌توان اعتماد را در سه بُعد که خصوصیت بررسی روانشناختی، روانشناسی اجتماعی و جامعه‌شناختی داشته باشد، بدین شکل تعریف کرد:

۱. اعتماد بنیادین: نگرشی است نسبت به خود و دنیای پیرامون که در مراحل اولیه زندگی (شیرخوارگی) انسان شکل می‌گیرد.^(۱۰)

۲. اعتماد بین شخصی:^۱ شکل دیگری از اعتماد است که در روابط چهره‌به‌چهره خود را نشان می‌دهد.

۳. اعتماد عام یا تعمیم‌یافته: حوزه‌ای از افرادی را دربر می‌گیرد که با ما تعامل دارند یا بالقوه می‌توانند تعامل داشته باشند. بنابراین اعتماد تعمیم‌یافته تنها به افرادی که با هم تعامل دارند و روابط چهره‌به‌چهره برقرار می‌سازند محدود نمی‌شود.^(۱۱) از دیدگاه دیگری نیز می‌توان انواع اعتماد را به دو دسته تقسیم کرد:

۱. اعتماد افقی که اعتماد بین برابرهاست، مثل اعتماد بین افراد هم‌رتبه یا بین شرکت‌ها که خود به دو نوع اعتماد تعمیم‌یافته (اعتماد به دیگران) و اعتماد خاص

(اعتماد مردم به دیگران خاص) تقسیم می‌شود.

۲. اعتماد عمودی که اعتماد بین نابرابرهاست مثل اعتماد بین افراد و نهادها و یا اعتماد افراد به دادگاه‌ها، بانک‌ها، دولت و...^(۱۲) که اعتماد بین مردم و حکومت (اعتماد سیاسی) را می‌توان از نوع اعتماد عمودی دانست.

بعد از اینکه تعریف اعتماد و ابعاد آن را از دیدگاه صاحب‌نظران رشته‌های مختلف روشن کردیم، نوبت به تعریف اعتماد در حوزه سیاسی (اعتماد سیاسی) و مشخص کردن ابعاد و ارتباط آن با مفاهیمی چون «مشروعیت» می‌رسد. در این راستا ابتدا به اعتماد سیاسی پرداخته و در مرحله بعد به مشروعیت و ارتباط آن با اعتماد سیاسی خواهیم پرداخت. در ادبیات اعتماد سیاسی گاه با سه مفهوم مواجه می‌شویم:

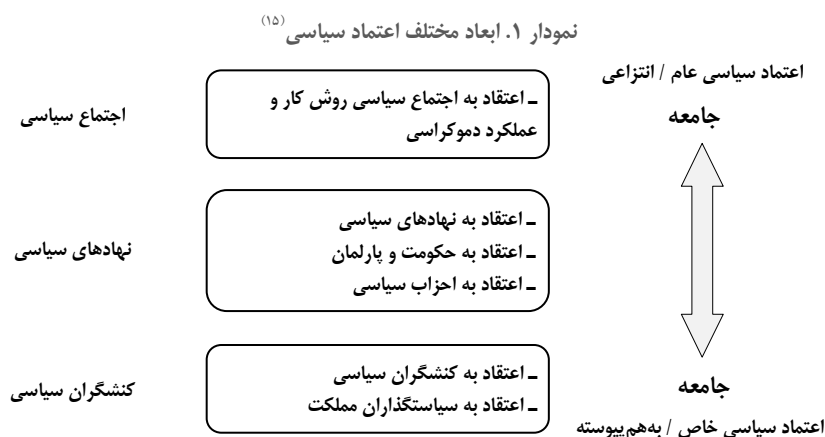
۱. اثر بخشی سیاسی:^۱ به احساسات شهروندان درباره اثرات کنش آنها روی حوادث سیاسی می‌پردازد. این مفهوم نشانگر اعتقاد افراد به تأثیرگذاری بر تغییرات سیاسی و اجتماعی است. ریشه این کلمه به روانشناسی اجتماعی و به مفاهیمی چون شایستگی فردی، اعتماد به نفس، ارزیابی از توانایی خود و قابلیت‌های شخصی برمی‌گردد و نقطه مقابل از خودبیگانگی سیاسی است. efficacy در اینجا جهت‌گیری تعمیم‌یافته به سوی موضوعات سیاسی است که در طول زمان کم‌وبیش ثابت می‌ماند و به ادراک فرد از قابلیت و توانمندی خودش برمی‌گردد، نه تأثیر واقعی آن بر موضوعات سیاسی.^(۱۳)

۲. اطمینان سیاسی:^۲ به اطمینان سیاسی احساس مردم در مورد متصدیان سیاسی و سیاست‌های مربوط بوده و محدود به رهبران سیاسی و رهبران نهادهای اصلی است.^(۱۴)

۳. اعتماد سیاسی:^۳ مفهومی عام‌تر است و علاوه بر کنشگران به نهادها و گاه به خود نظام سیاسی می‌پردازد. بنابراین از بین این سه واژه به دلیل جامعیت و توجه به تمام ابعاد و جوانب سیاسی واژه‌ها، آنچه در این تحقیق مورد نظر است، اعتماد

1. Political Efficacy
2. Political-Confidence
3. Political Trust

سیاسی است که هر سه سطح مفهوم اعتماد سیاسی را پوشش می‌دهد. بنابراین با توجه به نظریات بریتزر، می‌توان اعتماد سیاسی را در طیف وسیعی بین اعتماد سیاسی عام (انتزاعی) تا اعتماد سیاسی (خاص) به هم پیوسته در نظر گرفت که شامل سه بعد می‌شود و در قالب نمودار زیر به تصویر کشیده شده است.



با توجه به اینکه اعتماد یکی از اجزا و ابعاد مهم تشکیل دهنده مشروعیت است، بنابراین روشن نمودن تمایزها و شباهت‌های این دو با هم بسیار مهم است که در ادامه سعی می‌شود به این مسئله پرداخته شود.

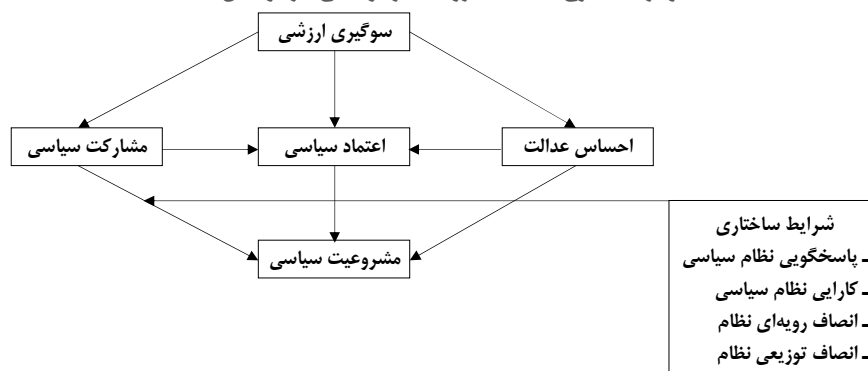
واژه مشروعیت^۱ از ریشه لاتین Legitimus گرفته شده که به معنای «قانونی»^۲ یا «بر طبق قانون»^۳ است و می‌توان آن را هم در سطح خرد^۴ (با تأکید بر خصوصیات شهروندی و شخصی) و در سطح کلان^۵ (با تکیه بر خصوصیات نظام سیاسی) تحلیل کرد. در زمینه تحلیل مشروعیت در سطح کلان، بر چهار خصوصیت نظام سیاسی تأکید بیشتری صورت می‌گیرد که عبارتند از

(۱) پاسخگویی نظام سیاسی، (۲) کارایی یا عملکرد نظام سیاسی، (۳) انصاف

1. Legitimacy
2. Lawful
3. According to Law
4. micro
5. macro

توزیعی نظام سیاسی: بدین معنا که فواید و هزینه‌های نظام سیاسی به‌طور برابر در بین شهروندان توزیع می‌شود. (۴) انصاف رویه‌ای نظام سیاسی: بدین معنا که حکومت مسائل شهروندان را به‌روشنی و به‌صورت «ضابطه‌مند» و «پیش‌بینی‌پذیر» حل کند و راه دسترسی افراد به حوزه‌های تصمیم‌گیری را باز گذارد. (۱۶) اما برای تحلیل مشروعیت در سطح خرد که در این مقاله مورد تأکید است روی چهار خصوصیت شهروندی تأکید بیشتری صورت گرفته که عبارت است از: (۱) اعتماد سیاسی: (باور شهروندان به هوشمندی، توانایی، تعهد و هویت فردی یا اخلاقی بازیگران سیاسی)، (۲) مشارکت سیاسی، (۳) احساس عدالت سیاسی: (باور شهروندان به عدالت حکومت در چهار بُعد توزیعی، فرصتی، قانونی و مشارکتی) و (۴) سوگیری ارزشی: سوگیری‌های ارزشی ملاک و راهنمای عمل افراد در موقعیت‌های مختلف اجتماعی هستند و انواع مختلفی دارند. لکن دو نوع سوگیری ارزشی ملازمه بیشتری با مشروعیت سیاسی دارد که عبارتند از «جمع‌گرایی» و «عام‌گرایی». در ذیل نمودار سطوح مختلف مشروعیت در دو سطح خرد و کلان می‌آید.

نمودار ۲. سطوح مختلف مشروعیت در دو سطح خرد و کلان^(۱۷)



بنابراین با توجه به تمام مطالبی که در زمینه تعریف «اعتماد» و ارتباط آن با «سرمایه اجتماعی»، «اعتماد سیاسی» و «مشروعیت سیاسی» آمد می‌توان نتیجه‌گیری کرد که «اعتماد» یکی از ابعاد و شاخصه‌های مهم «سرمایه اجتماعی» است و یکی از ابعاد آن «اعتماد تعمیم یافته» است که «اعتماد سیاسی» در ذیل آن

به نهادها و کارگزارانی که به صورت مستقیم با ما در ارتباط نیستند، قرار می‌گیرد. یکی از این عرصه‌ها، «اعتماد سیاسی» است که باز مقوله‌ای از ارتباط میان افراد و نظام‌های خارجی (به صورت تعمیم‌یافته) و حسن ظن افراد نسبت به آنها (نظام حاکم، نهادهای حکومتی و کنشگران سیاسی) است که جزئی از مقوله اعتماد در بُعد سیاسی آن می‌شود و شامل کنشگران سیاسی، نهادهای سیاسی و در کل نظام سیاسی می‌شود.

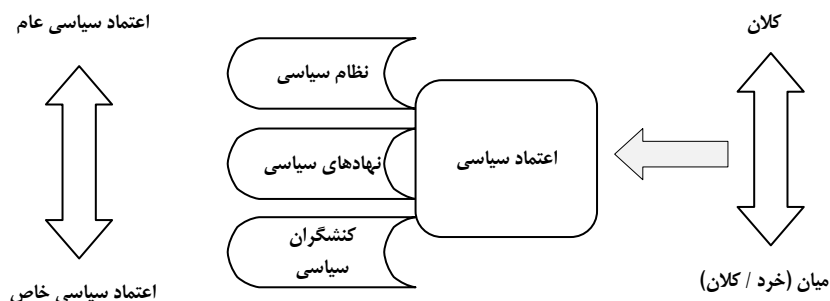
در مورد «مشروعیت سیاسی» که یکی از مفاهیم اصلی در حوزه «علوم سیاسی» است چنانکه از شاخصه‌ها و ابعاد آن در سطح خرد پیداست، شامل ابعادی چون «مشارکت سیاسی، احساس عدالت سیاسی و سوگیری ارزشی» است که در نهایت موجبات شکل‌گیری اعتماد سیاسی در سطح خرد را فراهم می‌آورند؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت با در نظر گرفتن تمامی این ابعاد در سطح خرد که اعتماد سیاسی نیز جزئی از آن محسوب می‌شود به همراه سطح کلان مشروعیت در بعد ساختاری، «مشروعیت سیاسی» را شکل می‌دهند.

در زمینه تمایز بین اعتماد سیاسی و مشروعیت نیز باید گفت بحران مشروعیت زمانی رخ می‌دهد که کلیت نظام یا قواعد اساسی آن مورد تهدید قرار گیرد نه خصوصیات زودگذر و متغیر آن. به هر حال مشروعیت نظام برخلاف اعتماد سیاسی، خیلی دیر زیر سؤال می‌رود، ولی اعتماد سیاسی خیلی سریع‌تر مورد تردید قرار می‌گیرد، زیرا اعتماد سیاسی جزئی از عناصر تشکیل‌دهنده مشروعیت است که در بسیاری از موارد، شاید اعتماد به نهادهای خاص یا مقامات رسمی کاهش یابد اما مشروعیت زیر سؤال نرود.^(۱۸)

چهارچوب نظری

در پرداختن به مسئله اعتماد می‌توان آن را در سطوح مختلف بررسی کرد، به طوری که در سطح کلان به تحلیل اعتماد پرداخت و یا از سوی دیگر می‌توان اعتماد را با توجه به سطح خرد یا در سطحی که تلفیقی از خرد و کلان است، بررسی نمود. در این تحقیق اعتماد سیاسی از منظری کلان و تلفیقی مورد بررسی قرار گرفته که در زیر به هریک از نظریه‌پردازان این سطوح پرداخته می‌شود.

نمودار ۳. فرایند تأثیر سطوح کلان و میانی بر ابعاد مختلف اعتماد سیاسی



ماکس وبر بر اساس نوعی دیدگاه کلان‌اندیش و برپایه جامعه‌شناسی تاریخی و قاعده‌مند خویش که مبتنی بر طبقه‌بندی کنش اجتماعی است به تأثیر دین و دینداری بر مسائل مختلف به خصوص اعتماد سیاسی می‌پردازد و در همین راستا، چهار دسته کنش متقابل را مشخص می‌کند که عبارتند از: کنش سنتی، کنش عاطفی، کنش عقلانی معطوف به ارزش و کنش عقلانی معطوف به هدف که در این چشم‌انداز، اعتماد همچون ارزشی در لایه‌های پسینی این کنش‌ها قابل فهم است.^(۱۹) وبر در چهارچوب جامعه‌شناسی تفسیری خویش و بر اساس سطوح کنش، به مسئله مشروعیت که اعتماد سیاسی نیز جزئی از آن است، دعاوی مشروعیت را به سه نوع کلی تقسیم‌بندی می‌کند:

(۱) اقتدار یا مشروعیت سنتی، (۲) اقتدار یا مشروعیت کارزماتیک، (۳) اقتدار یا مشروعیت قانونی. وبر اینها را «سه توجیه درونی» یا «مشروع‌سازی‌های اصلی سلطه» می‌داند که اطاعت‌خواهی بر آنها استوار است^(۲۰) و در همین رابطه بر اساس گونه‌شناسی سه‌گانه اقتدار، سه نوع رابطه اعتماد میان مردم و حکومت‌ها را به تصویر می‌کشد:

(۱) روابط اعتمادی که بر اساس سنت‌ها و رسوم کهن است (اقتدار یا مشروعیت سنتی)؛ (۲) روابط اعتمادی که بر اساس ویژگی‌های فرهنگ‌دانه حاکمان سیاسی استوار است (اقتدار یا مشروعیت کارزماتیک)؛ (۳) روابط اعتمادی که بر اساس قانون و مقررات عقلانی استوار است (اقتدار یا مشروعیت قانونی). بنابراین دینداری که نوعی کنش سنتی و نوعی اعتقاد درونی به دین و بر اقتدار یا مشروعیت سنتی استوار است می‌تواند نقش اساسی در شکل‌دهی به اعتماد سیاسی افراد به

حکومت ایفا کند. در واقع «اعمال مداوم هر سلطه‌ای» همواره نیازمند نوعی دعوی ثمربخش مشروعیت است و رژیم‌هایی که نتوانند چنین دعاوی را ابراز کنند (یعنی اعتماد لازم را برای مشروعیت خویش فراهم نسازند) قاعدتاً رهسپار زباله‌دان تاریخ می‌شوند.

پارسونز نیز در یک بستر نظری که می‌توان آن را به دیدگاه‌های کلان‌اندیش در زمینه مسائل اجتماعی نزدیک دانست، عامل ایجاد اتحاد و انسجام اجتماعی را اعتماد می‌داند.^(۲۱) پارسونز کوشیده است دو سنت فکری وبر و دورکیم را با هم تلفیق کرده و از آن چهارچوبی برای تفسیر کنش افراد بسازد. وی کوشید با تلفیق عوامل خرد، همچون (ارگانیسم رفتاری، نظام شخصیتی، نظام اجتماعی، نظام فرهنگی و هدف‌غایی) و عوامل سطح کلان (اقتصاد، سیاست، اجتماع و فرهنگ) با توجه به سلسله‌مراتب و روابط شبکه‌ای، کنش و نقش اجتماعی را در قالب دیدگاهی نظام‌مند مورد تحلیل قرار دهد؛ اما آنچه در نظریه او بیشتر خودنمایی می‌کند، اولویتی است که او برای ساختارهای کلان اجتماعی (به‌خصوص فرهنگ) قائل می‌شود.^(۲۲)

به اعتقاد پارسونز در راه دستیابی کنشگر به هدف خویش، شرایطی بر او، هدف و وسیله‌اش تأثیر می‌گذارد که آنها را «شرایط محیطی» می‌نامد و به دو بخش محیط نمادی یا فرهنگی و محیط فیزیکی تقسیم می‌کند. به اعتقاد پارسونز محیط نمادی یا فرهنگی (شرایط هنجاری) هدف‌های نائل‌شدنی را تعیین می‌کند، وسایل رسیدن به هدف‌ها را نشان می‌دهد، حدود کنش‌های مجاز را تعیین نموده و انتخاب‌ها را توصیه می‌کند و کنشگر از آنها برای ایجاد ارتباط با کنشگران دیگر استفاده می‌کند. پارسونز بر اساس همین شرایط و همچنین براساس هنجارهایی که از فرهنگ (محیط نمادی) نشئت می‌گیرند و کنش‌های افراد را هدایت و دوام و پایداری نسبی آنها را تأمین می‌کنند، متغیرهای الگویی را ارائه می‌دهد. یکی از این متغیرهای الگویی که دوگانگی جهت‌گیری برای هر کنش را مشخص می‌کند، متغیر عام‌گرایی - خاص‌گرایی است که تصمیمات نظام شخصیت و هنجارهای نظام اجتماعی را محدود می‌کند الگوهای این دو نظام انعکاسی از الگوهای جهت‌گیری‌های ارزشی موجود در فرهنگ هستند.^(۲۳)

به این ترتیب کنشگران در نظام اجتماعی که بر اساس وفاق اجتماعی عام و تعمیم‌یافته استوار است، نظام شخصیت با تمایلاتی چون وابستگی عاطفی تعمیم‌یافته و سوگیری «عام‌گرایانه» نسبت به موضوعات اجتماعی و فرهنگی خواهند داشت.^(۲۴) بنابراین بر اساس نظریات پارسونز، متغیرهای الگویی که در جوامع سنتی بر رفتار کنشگران حاکم است، نوع اعتماد را محدود و مشخص می‌سازند (به محدوده خویشاوندی و دایره قومی). در حالی که متغیرهای الگویی که در جوامع مدرن بر رفتار کنشگران حاکمند، تمایل به «اعتماد» را در خارج از حوزه خصوصی تقویت کرده و زمینه را برای ایجاد اعتماد تعمیم‌یافته که یکی از مصادیق آن اعتماد به حکومت و نظام‌های حکومتی است آماده می‌سازند.^(۲۵)

در بُعد ساختار فرهنگی کلان نیز می‌توان متغیرهای اساسی تأثیرگذار دیگری از جمله تغییرات فرهنگی و تأثیر آن بر ارزش‌های اجتماعی را برای تبیین اعتماد یا بی‌اعتمادی سیاسی استخراج کرد. در این میان، *اینگلهارت* با توجه به تحولات و تغییرات فرهنگی، نشان می‌دهد در جوامع مختلف، گونه‌ای از دگرگونی در ارزش‌های مادی به فرامادی رخ داده است. وی نشان می‌دهد نسل‌های گذشته نسبتاً مایل به قربانی کردن استقلال فردی در مقابل امنیت جانی و اقتصادی بودند اما در حال حاضر جوامع پیشرفته صنعتی بیشترین اهمیت را به آزادی بیان در کار و زندگی سیاسی می‌دهند. وی تبیین می‌کند که چگونه این دگرگونی فرهنگی در سطح کلان، مبارزه در برابر رشد اقتدار دولت را تقویت می‌کند، مسائل سیاسی جدیدی را به صحنه می‌آورد و نیروی محرک اساسی را برای جنبش‌های اجتماعی فراهم می‌سازد.^(۲۶) اینگلهارت با مرتبط ساختن دگرگونی فرهنگی با مسئله اعتماد و بی‌اعتمادی سیاسی ابراز می‌دارد که فرامادیون بر اساس ارزش‌های خاص خود بیش از مادیون که بر ارزش‌های ایمنی و مادی چون پول، پس‌انداز، شغل دائمی، امنیت اقتصادی و... تأکید دارند به اعتراض و خشونت سیاسی نامتعارف می‌پردازند.

اینگلهارت با کمک از دیدگاه کلان‌اندیش، تحول در ارزش‌های جوامع صنعتی را به تحول در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی دوران پس از جنگ دوم جهانی و امنیت مادی و اقتصادی بی‌سابقه این دوران ربط می‌دهد و اعتقاد دارد این فرایند

تحول ارزشی به جوامع در حال توسعه نیز اشاعه یافته و زمینه را برای ظهور ارزش‌های فرامادی چون استقلال فردی در حوزه خصوصی، گسترش آزادی بیان و مشارکت دموکراتیک توسط ارزش‌های معطوف به ابراز خود، خویشن‌یابی و قدر منزلت و... آماده ساخته است؛ در نتیجه افراد را به همکاری با دیگران سوق داده و موجب مشارکت اجتماعی آنان در عرصه‌های مختلف، به‌خصوص مشارکت سیاسی و ارزش‌های مدنی شده است؛ همین مسئله بستری را برای تغییر مناسبات بین مردم و حکومت (اعتماد و مشروعیت) فراهم ساخته است.^(۲۷)

در مورد جامعه ایران و در زمینه جوانان (دانشجو) نیز می‌توان نظریه اینگلهارت را به کار برد و نشان داد آیا شاهد تغییر ارزش‌ها از مادی به ارزش‌های فرامادی هستیم و آیا چنین تغییری بر کنش سیاسی و اعتماد سیاسی آنها تأثیر می‌گذارد یا خیر؟ شناخت همین مسئله می‌تواند راه‌گشای تغییر دیدگاه مسئولین در زمینه فراهم آوردن زمینه‌های جدیدی برای جلب اعتماد خیل عظیمی از جوانان (به‌خصوص جوانان دانشجو) در ایران باشد.

اما در دیدگاه تلفیقی در این تحقیق از میان نظریه‌پردازانی که موضوع اعتماد را مطرح کرده‌اند، متغیرهایی برای تبیین میزان اعتماد سیاسی نسبت به حکومت استخراج شده که می‌توان به *گیدنز*، *هابرماس* و *بورديو* اشاره کرد. در این میان مهم‌ترین خصلت آرای گیدنز تلفیق سطوح خرد و کلان و نیز ویژگی تحلیل الگوهای اعتماد در دوران ماقبل مدرن و مابعد مدرنیته و چگونگی سازوکار و تغییر آن است.^(۲۸) او برای تحلیل مسئله اعتماد در جهان مدرن معتقد است پویایی مدرنیته سه سرچشمه مهم دارد: «جدایی زمان و مکان»، «تحول مکانیسم‌های ازجاکندگی» و «تخصیص بازاندیشانه» که تغییر و تحول الگوی اعتماد را باید نتیجه پویایی مدرنیته با توجه به این سرچشمه‌ها دانست.^(۲۹) گیدنز با طرح نظریه ساختاربندی به پیوند میان تحولات نظام جهانی در سطح کلان و ویژگی‌های شخصیتی و نگرشی افراد در سطح خرد پرداخته است. در همین رابطه وی با طرح تأثیر نظام‌های ارتباطاتی (ماهواره‌ها و اینترنت) و در کل رسانه‌ها بر چگونگی شکل‌گیری ویژگی‌های سطح خرد، (مانند شکل‌گیری اعتماد در فرایند اجتماعی‌شدن و هویت شخصی و اعتماد افراد به نظام‌های انتزاعی مانند حکومت یا نظام سیاسی) اشاره می‌کند. بر این اساس

گیدنز معتقد است ورود مکانیسم‌های موجود در جهان کنونی زمینه‌های اصلی را که در جهان سنتی، وجود اعتماد را شکل می‌دادند و موجب شکل‌گیری اعتمادی باثبات در افراد یک جامعه می‌شدند و عبارت بودند از: نظام خویشاوندی، سنت، اجتماع محلی و کیهان‌شناسی مذهبی (دین و دینداری)، یا از بین برده و یا کم‌اهمیت نموده است. میزان اعتماد، چه در بین افراد و چه به صورت اعتماد سیاسی افراد به حکومت، حال تحت تأثیر عواملی چون روند بازانديشانه و تأثیر اطلاعات و دسترسی و استفاده از انواع رسانه‌ها و مکانیسم‌های دیگر در جامعه مدرن شکل می‌گیرد.^(۳۰)

بنابراین یک نظام سیاسی زمانی دچار عدم اعتماد سیاسی می‌شود که در جامعه رسانه‌های مختلف (از جمله رادیو، تلویزیون و...) به صورت انحصاری در اختیار حکومت مرکزی بوده و فضای بازانديشي، انتقاد و مشارکت نیز بسیار محدود باشد؛ در این شرایط کسانی که از رسانه‌های داخلی استفاده می‌کنند، معمولاً با پرورش فکری در فضای تک‌بعدی رسانه‌های داخلی، ایدئولوژی نظام سیاسی را درونی کرده و در نتیجه با فقدان قدرت مقایسه و بازانديشي، اعتماد سیاسی بالایی به نظام سیاسی موجود خواهند داشت و برعکس، کسانی (همچون دانشجویان) که امکان دستیابی و استفاده از رسانه‌های خارجی و جهانی (همچون ماهواره و اینترنت) را دارند که حاوی ارزش‌های مختلف است، با فراهم شدن قدرت مقایسه، زمینه بازانديشي فکری و انتقادی آنان در مورد مسائل مختلف، به خصوص مسائل سیاسی فراهم آمده و در این شرایط اگر نظام سیاسی بدون مشارکت و با شیوه‌ای استبدادگرایانه بخواهد در جامعه عمل کند، افراد با انتقاد و پرخاشگری، عدم اعتماد سیاسی خویش را نسبت به نظام سیاسی موجود نشان خواهند داد.

گیدنز اعتقاد دارد در شرایطی که نظام اجتماعی در نتیجه نفوذ رسانه‌های ارتباطی جهانی، شکل بازانديشانه‌ای را تجربه می‌کند، باید برای تداوم اعتماد به نهادهای انتزاعی (از جمله سیاست) تصمیم‌ها غالباً به نمایندگی از دیگران اتخاذ شود و راه نظارت و بازرسی عمومی برای آنها باز باشد. بنابراین در چنین شرایطی، اعتماد زاینده مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، گشودگی و آزادگی است که اجزای سراسر نظام سیاسی دموکراتیک را به هم پیوند می‌زند و یکی از مؤلفه‌های حیاتی

مشروعیت سیاسی است که مشروعیت نظام سیاسی را به‌شکلی دموکراتیک فراهم خواهد آورد.

همچنین می‌توان از نظریات هابرماس که با اتخاذ رویکردی تلفیقی و با ارائه نظریه کنش و پیوند آن با ساختارهای کلان به تشریح چگونگی تعامل افراد در سطح خرد و میانه با ساختارهای کلان و تأثیر آن بر ایجاد مشروعیت و اعتماد سیاسی مردم به حکومت می‌پردازد، استفاده نمود.

برای پرداختن به مسئله اعتماد در دیدگاه هابرماس، باید به موضوع «حوزه عمومی» بپردازیم زیرا ارتباط تنگاتنگی با «اعتماد» دارد. هابرماس راه‌هایی را در تقویت حوزه عمومی و گفتگوی آزاد و خردمندانانه و به دور از هر نوع سلطه می‌داند که در آن مردم بتوانند با پذیرش شرایط آرمانی گفتگو، یعنی پذیرش تفاوت‌ها، احترام متقابل، پیروی از روش‌های منطقی و استدلال و اقناع، بر سر ارزش‌ها و اهداف جمعی عام و راه‌های نیل به آنها به توافق برسند و با کنش‌های ارتباطی دور از تحریف، در جهت توسعه و تکامل حیات اجتماعی خویش گام بردارند.^(۳۱) بنابراین هابرماس با طرح حوزه عمومی (که یکی از مصداق‌های آن مشارکت در انجمن‌های غیردولتی است) به‌عنوان زمینه‌ای برای کنش جمعی افراد در سطح میانی جامعه (انجمن‌های غیردولتی) اشاره می‌کند و باتوجه به تأثیر این انجمن‌ها که خارج از حوزه اجبار دولت و حکومت هستند، معتقد است آنها با تأثیرگذاری بر سطح خرد (یعنی نگرش افراد در زمینه اعتماد به نظام‌های سیاسی و مشروعیت کلی نظام) زمینه را برای اعتماد افراد در سطوح گوناگون فراهم می‌سازند و می‌توانند به شکل‌گیری نوعی قواعد عام رفتاری و هویتی عام (عام‌گرایی) در سطح اجتماعی و چه در سطح جهانی منجر شوند.^(۳۲)

هابرماس با استفاده از مفهومی چون «حوزه عمومی» که در آن گفتمانی آزاد از هرگونه سلطه و زور جریان دارد، ابراز می‌دارد هرچه حکومت دامنۀ این حوزه را گسترش دهد و مشارکت مردم نیز در این حوزه بیشتر باشد، اعتماد سیاسی افراد به حکومت و مشروعیت آن نیز بیشتر خواهد بود.

پوردیو نیز به‌صورتی تلفیقی در زمینه کنش، به تأثیر فضای ساختار اجتماعی (طبقات یا حوزه‌های کنش)، در قالب چند مفهوم بنیادی از قبیل عادت‌واره، حوزه و

سرمایه که ستون فقرات آن از رابطه دوسویه میان ساختارهای عینی (یعنی ساختارهای حوزه اجتماعی) و ساختارهای ذهنی شده (یعنی عادت واره‌ها) تشکیل یافته می‌پردازد.^(۳۳) بوردیو در تبیین کنش افراد که به صورت ضمنی می‌توان مسئله اعتماد و بی‌اعتمادی را نیز از آن استخراج نمود، به ساختارهای طبقاتی و حوزه‌ای که فرد در آن پرورش یافته اشاره کرده و می‌گوید هر فرد با توجه به عادت‌واره و سلیقه‌ای که از فضای ساختار اجتماعی (طبقات یا حوزه‌های کنش) با توجه به سرمایه‌های در دسترس خویش اخذ می‌کند؛ به کنش خود هدف و جهت می‌دهد و شناخت انگیزه و چرایی و الگوی کنش او حتی در زمینه اعتماد یا بی‌اعتمادی سیاسی نیز با رجوع به همان حوزه و ساختار اجتماعی و اقتصادی امکان‌پذیر است.^(۳۴)

در همین راستا می‌توان گفت میزان اعتماد به نظام سیاسی موجود بستگی به میزان سرمایه‌های در اختیار فرد و طبقه خاصی است که فرد در آن وجود دارد، زیرا طبقات بالا - و تا حدودی طبقات متوسط - با در اختیار داشتن انواع سرمایه‌ها (اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نمادی) جزئی از بدنه حکومت را تشکیل می‌دهند و با توجه به پرورش فرهنگی خاصی که از بدو تولد می‌بینند، هم اعتماد سیاسی بالایی نسبت به نظام سیاسی موجود دارند و هم وسیله بازتولید نظام سیاسی در میان طبقات دیگر هستند؛ اما طبقات پایین با توجه به اینکه از سرمایه‌های اندکی برخوردارند و همیشه در تکاپوی کسب احتیاج‌های اولیه زندگی خویش هستند، بنابراین همیشه با کمال مطلوب زندگی فاصله دارند و در نتیجه علت فقر و بدبختی خویش را نظام سیاسی موجود می‌پندارند؛ در این شرایط اعتماد آنها به نظام سیاسی پایین است.

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌های اصلی این مقاله عبارتند از:

- (۱) هرچه پایگاه اقتصادی - اجتماعی جوانان بالاتر باشد، میزان اعتماد سیاسی آنها به حکومت بیشتر است؛ (۲) هرچه میزان دینداری جوانان بیشتر باشد میزان اعتماد سیاسی به حکومت آنها بالاتر است؛ (۳) هرچه میزان مشارکت جوانان در

انجمن‌های غیردولتی بیشتر باشد، میزان اعتماد سیاسی به حکومت در میان آنها بیشتر است؛ ۴) هرچه میزان عام‌گرایی جوانان بیشتر باشد میزان اعتماد سیاسی آنها به حکومت بیشتر خواهد بود؛ ۵) هرچه میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی در میان جوانان بیشتر باشد، میزان اعتماد سیاسی به حکومت در میان آنان بیشتر خواهد بود؛ ۶) هرچه درجه اهمیت ارزش‌های فرامادی در میان جوانان دانشجوی بیشتر باشد، میزان اعتماد سیاسی به حکومت میان آنان کمتر است؛ ۷) هرچه درجه اهمیت ارزش‌های مادی در میان جوانان دانشجوی بیشتر باشد، میزان اعتماد سیاسی به حکومت میان آنان بیشتر است.

روش تحقیق

روش تحقیق این مطالعه اسنادی و پیمایشی است. جامعه آماری آن کلیه دانشجویان روزانه و شبانه شاغل به تحصیل در مقطع کارشناسی در دانشکده‌های زیرمجموعه دانشگاه صنعتی شریف است که برابر با ۵۲۹۹ نفر بوده است. روش نمونه‌گیری این پژوهش، روش طبقه‌ای متناسب است که در آن، نمونه تحقیق به‌گونه‌ای انتخاب می‌شود که زیرگروه‌ها در حد امکان با همان نسبتی که در جامعه وجود دارند، در نمونه نیز حضور یابند.^(۳۵) در این تحقیق حجم نمونه با روش «کوکران» ۳۸۰ نفر تعیین شده است. همچنین در تحقیق حاضر از اعتبار سازه‌ای به روش تحلیل عاملی - اکتشافی و تأییدی و در بررسی پایایی تحقیق از آلفای کرونباخ استفاده شده است.

متغیر وابسته

این متغیر بر اساس شاخص «بریتزر» در زمینه مشخص نمودن فضای مفهومی اعتماد سیاسی فراهم شده که بر اساس آن می‌توان اعتماد سیاسی را نگرش حامیانه و مثبت مردم نسبت به نظام سیاسی، نهادهای سیاسی و کنشگران سیاسی در جامعه دانست.^(۳۶)

متغیرهای مستقل

۱. پایگاه اقتصادی - اجتماعی: این متغیر بر اساس شاخص اجتماعی -

اقتصادی *دانکن* فراهم شده که ترکیبی از شاخص‌های متوسط درآمد، سطح تحصیلات و شغل است.

۲. میزان استفاده از رسانه‌های جمعی: رسانه‌های جمعی یا گروهی شکل‌های ارتباطی مختلفی است که به‌منظور رساندن پیام به گیرندگان انبوه طرح‌ریزی شده است.^(۳۷)

۳. دینداری: عبارت است از مجموعه‌ای از شناخت‌ها، احساس‌ها و تمایلات نسبتاً پایدار و مثبت نسبت به دین که سنجش آن با استفاده از شاخص *گلاگ* و *استارک* صورت گرفته که یکی از بهترین شاخص‌ها برای سنجش دینداری است.^(۳۸)

۴. مشارکت در انجمن‌های غیردولتی: برای سنجش میزان مشارکت در انجمن‌های غیردولتی از مقیاس «چاپین» استفاده شده است که شامل ۵ جزء است: عضویت، انجام دادن فعالیت‌ها، کمک مالی، عضویت در کمیته‌ها، صاحب مقام و مسئولیتی خاص است.^(۳۹)

۵. عام‌گرایی: این شاخص ترکیبی از دوراهی‌های تصمیم‌گیری در هر موقعیت است که نحوه عمل احتمالی فرد در ۶ موقعیت متفاوت (عام‌گرایی - خاص‌گرایی) مورد سؤال قرار گرفته است.

۶. ارزش‌های فرامادی و مادی: ارزش فرامادی عبارت است از: مطلوبیت و مورد تقاضا بودن معیارهای مربوط به امور و نیازهای غیرمادی و ارزش مادی عبارت است از: اهمیت قائل شدن فرد برای امور و مسائل ایمنی و مادی در جامعه.

یافته‌های تحقیق: تحلیل‌های تک‌متغیره

جامعه آماری تحقیق حاضر دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف هستند. ۶۸ درصد پاسخگویان مرد و ۳۱/۶ درصد زن بوده‌اند. حدود ۹۴/۹ درصد از پاسخگویان مجرد و ۵/۱ درصد متأهل بوده‌اند. جدول شماره ۱ شاخص‌های مرکزی و پراکندگی مربوط به متغیرهای مختلف تحقیق را گزارش می‌کند.^۱ براساس داده‌های جدول،

۱. برای قابل فهم ساختن و مقایسه‌پذیری متغیرهای تحقیق، تمامی شاخص‌ها تغییر مقیاس یافته‌اند و دامنه هر شاخص از ۰ تا ۱۰۰ است.

میانگین اعتماد سیاسی ۳۷/۶۵ است. اگرچه نمی توان معیاری را برای میزان اعتماد سیاسی تعیین کرد اما هرچه به ۱۰۰ نزدیک تر باشد وضعیت اعتماد سیاسی مطلوب تر ارزیابی می شود. میزان دینداری دانشجویان نیز ۵۸/۶۵ است که با توجه به میانه می توان گفت ۵۰ درصد پاسخگویان میزان دینداری بالاتر از ۶۰ دارند. ارزش های مادی نیز با میانگین ۴۷/۸۹ درصد نشان دهنده این است که اهمیت ارزش های مادی از نظر دانشجویان در حد متوسط قرار دارد. دیگر متغیرهای تحقیق به طور خلاصه در جدول شماره ۱ گزارش شده اند.

جدول ۱. شاخص های پراکندگی و مرکزی متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار
اعتماد سیاسی	۳۷/۶۵	۳۵/۳۶	۲۲/۲۵
میزان دینداری	۵۸/۶۵	۶۰	۲۱/۲۲
ارزش های مادی	۴۷/۸۹	۵۰	۲۴/۲۱
ارزش های فرامادی	۴۰/۳۵	۵۰	۲۲/۴
میزان استفاده از رسانه ها (خارجی)	۱۳/۱۴	۱۲/۴	۱۱/۹۸
میزان استفاده از رسانه ها (داخلی)	۲۰/۲۳	۱۸/۴	۱۳/۳۹
عام گرایی	۶۵/۷۶	۶۶/۶	۱۶/۳۹
مشارکت در انجمن های غیردولتی	۷/۳۴	۵	۱۸/۹۸

در ارتباط با توزیع فراوانی متغیر وابسته^۱ نیز باید گفت از میان پاسخگویان ۲۴/۸ درصد اعتماد سیاسی را بسیار کم، ۳۴/۱ درصد آن را کم، ۲۷/۶ درصد متوسط، ۱۱/۱ درصد اعتماد سیاسی را زیاد و ۲/۵ درصد اعتماد سیاسی را بسیار زیاد دانسته اند. توزیع پاسخگویان برحسب هریک از گویه های مربوط به ابعاد اعتماد سیاسی به صورت تفکیک شده در جدول شماره ۲ گزارش شده است. به طور کلی می توان گفت میانگین هریک از ابعاد اعتماد سیاسی به ترتیب برای نظام سیاسی ۴۵/۳، اعتماد به کنشگران سیاسی ۳۱/۲ و اعتماد به نهادهای سیاسی ۳۴/۶ است.

۱. اعتماد سیاسی به صورت کلی که اعتماد به کنشگران سیاسی، نهادهای سیاسی و نظام سیاسی را دربر می گیرد.

جدول ۲. توزیع پاسخگویان برحسب هریک از گویه‌های مربوط به ابعاد اعتماد سیاسی

ابعاد	گویه‌ها	میزان (درصد)				
		بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	
اعتماد به نظام سیاسی	از اینکه در جمهوری اسلامی زندگی می‌کنم احساس غرور می‌کنم	۱۰/۵	۱۴/۰	۳۲/۶	۱۴/۰	۲۸/۸
	از اکثر مواضع جمهوری اسلامی در امور داخلی پشتیبانی می‌کنم	۴/۸	۱۵/۹	۲۳/۴	۲۷/۴	۲۸/۵
	اگر حادثه‌ای نظیر جنگ پیش آید، حاضر به دفاع از نظام هستم	۱۹/۱	۱۹/۴	۲۳/۹	۱۵/۳	۲۲/۳
	مردم در تصمیم‌گیری‌های نظام نقش کاملاً جدی دارند	۴/۶	۱۳/۷	۱۸/۳	۲۷/۶	۳۵/۸
	قانون اساسی مناسب وضع فعلی نیست و باید اصلاح شود	۴/۶	۱۲/۳	۲۶/۰	۲۸/۱	۲۹/۰
	قانون اساسی طوری تنظیم شده که هم دین مردم حفظ شود و هم دنیای آنها	۴/۱	۱۳/۷	۳۲/۹	۲۴/۹	۲۴/۴
	در کل عملکرد نظام به نفع مردم است	۳/۸	۹/۸	۲۳/۳	۲۸/۲	۳۵/۰
اعتماد به نهادهای سیاسی	مجلس شورای اسلامی	۱/۶	۹/۳	۳۲/۲	۲۷/۰	۳۰/۰
	شورای نگهبان	۲/۸	۴/۷	۲۰/۹	۲۰/۷	۵۱/۰
	قوه قضائیه (دادگاه‌ها)	۱/۹	۸/۷	۳۲/۷	۲۷/۵	۲۹/۲
	نیروی انتظامی (پلیس)	۳/۸	۲/۱	۳۱/۸	۲۰/۳	۲۳/۰
	قوه مقننه مجریه (دولت)	۲/۵	۴۸/۰	۲۱/۰	۲۱/۰	۴۸/۰
اعتماد به کنشگران سیاسی	تدبیر و دوراندیشی برای حل مشکلات کشور	۲/۹	۶/۵	۲۰/۱	۲۷/۱	۲۱/۵
	تخصص و مهارت لازم برای انجام وظایف	۳/۸	۳/۸	۲۰/۱	۳۱/۹	۲۰/۵
	تجربه و پختگی برای انجام امور	۳/۲	۸/۶	۲۳/۸	۳۱/۹	۳۲/۲
	منافع عمومی را به نفع شخصی ترجیح دادن	۸/۶	۱۵/۹	۲۲/۸	۲۱/۳	۲۹/۲
	جلوگیری از حیف و میل بیت‌المال	۳/۸	۷/۸	۱۹/۹	۲۹/۹	۳۸/۵
	احساس وظیفه و دلسوزی نسبت به مردم	۶/۵	۱۰/۳	۲۵/۲	۲۸/۲	۲۹/۵
	توان اجرایی بالا	۳/۳	۶/۸	۱۸/۳	۳۲/۲	۳۹/۵
	خلاقیت و نوآوری در اداره امور کشور	۵/۱	۶/۵	۱۲/۶	۳۱/۲	۳۲/۵
	استفاده درست از امکانات موجود کشور	۲/۱	۲/۷	۱۳/۲	۲۸/۳	۲۹/۷
	به فکر تأمین امنیت مردم بودن	۲/۹	۱۲/۹	۳۱/۳	۱۸/۸	۳۱/۳
	ارائه راه‌حل‌های مناسب در مواجهه با مشکلات جامعه	۳/۵	۶/۸	۱۷/۷	۲۵/۳	۴۶/۷

عوامل موثر در اعتماد سیاسی: پیمایش میان دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف

تحلیل‌های دومتغیره

به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق، هریک از متغیرهای مستقل به‌طور جداگانه با متغیر وابسته به صورت دویه‌دو بررسی شده‌اند که از میان متغیرهای مستقل، میزان دینداری، ارزش‌های مادی و فرامادی، میزان استفاده از رسانه‌های داخلی و خارجی با متغیر وابسته تحقیق یعنی اعتماد سیاسی، رابطه معناداری داشته‌اند. از این میان ارزش‌های فرامادی و میزان استفاده از رسانه‌های خارجی با اعتماد سیاسی همبستگی معناداری در جهت منفی داشته‌اند، به این معنا که با افزایش ارزش‌های فرامادی و استفاده از رسانه‌های خارجی، اعتماد سیاسی نیز کاهش می‌یابد که در جدول ۳ رابطه تمامی متغیرهای مستقل تحقیق با متغیر وابسته (اعتماد سیاسی) محاسبه و نشان داده شده است:

جدول ۳. همبستگی دویه‌دوی متغیرهای مستقل با اعتماد سیاسی

متغیر	مقدار ضریب پیرسون	سطح معناداری
میزان دینداری	۰/۲۹۵	۰/۰۰۰
ارزش‌های مادی	۰/۲۱۵	۰/۰۰۰
میزان استفاده از رسانه‌ها (داخلی)	۰/۱۸۵	۰/۰۰۰
میزان استفاده از رسانه‌ها (خارجی)	-۰/۲۳۱	۰/۰۰۸
ارزش‌های فرامادی	-۰/۱۷۲	۰/۰۰۲
عام‌گرایی	۰/۰۸۲	-۰/۱۲۲
مشارکت در انجمن‌های غیردولتی	-۰/۰۱۶	۰/۷۷۵
پایگاه اقتصادی اجتماعی	۰/۰۲۸	۰/۶۶۵

تحلیل‌های چندمتغیری (رگرسیون)

در تحقیق حاضر برای تبیین متغیر اعتماد سیاسی با استفاده از متغیرهای مستقل، از روش رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. یافته‌های جدول ۴ حاکی از آن است که میزان دینداری، میزان استفاده از رسانه‌های خارجی، میزان استفاده از رسانه‌های داخلی و ارزش‌های مادی مهم‌ترین تبیین‌کننده‌های اعتماد سیاسی در این پژوهش هستند. به عبارت دیگر هرچه میزان دینداری، استفاده از رسانه‌های داخلی و اهمیت ارزش‌های مادی بیشتر باشد، میزان اعتماد سیاسی در میان دانشجویان نیز بیشتر

خواهد بود. البته این امر در مورد استفاده از رسانه‌های خارجی به صورت معکوس معنی دار است؛ یعنی هرچه میزان استفاده از رسانه‌های خارجی بیشتر باشد، میزان اعتماد سیاسی در بین دانشجویان نیز کمتر خواهد بود.

جدول ۴. رگرسیون چندگانه تأثیر متغیرهای مستقل بر اعتماد سیاسی

متغیر	مقدار ضریب پیرسون	سطح معناداری
میزان دینداری	۰/۴۹۵	۰/۰۰۰
ارزش‌های مادی	۰/۲۱۵	۰/۰۰۰
میزان استفاده از رسانه‌ها (داخلی)	۰/۱۸۵	۰/۰۰۰
میزان استفاده از رسانه‌ها (خارجی)	-۰/۲۴۱	۰/۰۰۸
ارزش‌های فرامادی	-۰/۱۷۲	۰/۰۰۲
عام‌گرایی	۰/۰۸۲	-۰/۱۴۴
مشارکت در انجمن‌های غیردولتی	-۰/۰۱۶	۰/۷۷۵
پایگاه اقتصادی اجتماعی	۰/۰۲۸	۰/۶۶۵

همان‌طور که از جدول شماره ۴ پیداست، در بین متغیرهای تحقیق، دینداری و استفاده از رسانه‌های خارجی به ترتیب با ۰/۵۴۹ و ۰/۲۱۵- بیشترین میزان بتای رگرسیونی را به خود اختصاص داده‌اند.

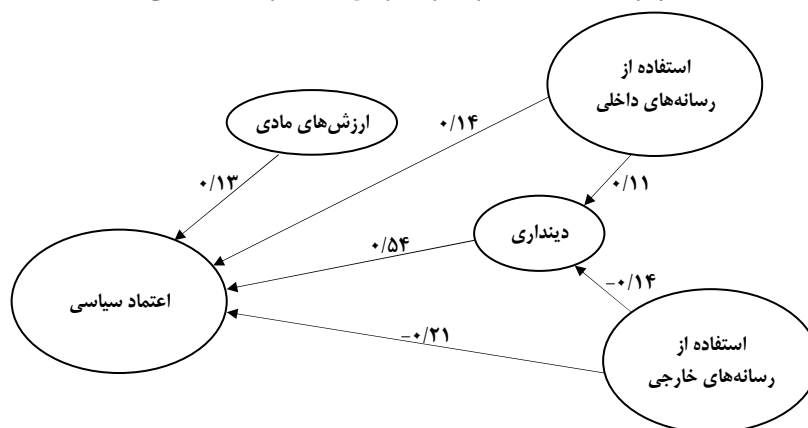
ضریب تعیین،^۱ ۳۹/۲۵ و ضریب تعیین واقعی برابر ۰/۴۲ و بیانگر این مطلب است که تقریباً ۴۲ درصد از واریانس اعتماد سیاسی به حکومت، توسط متغیرهای موجود در معادله یعنی دینداری، استفاده از رسانه‌های داخلی و خارجی و ارزش‌های مادی تبیین می‌شود.

تحلیل مسیر

نمودار شماره ۳ آثار معنادار، مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل اصلی را بر اعتماد سیاسی نشان می‌دهد. همان‌طور که از مدل پیداست میزان دینداری رابطه‌ای مثبت و معنادار (۵۴ درصد) با اعتماد سیاسی دارد یعنی با افزایش میزان دینداری، میزان اعتماد سیاسی دانشجویان نیز افزایش پیدا می‌کند. متغیر استفاده از رسانه‌های

خارجی نیز همانند میزان دینداری و مطابق با نظریات، اثری منفی و معنادار با اعتماد سیاسی دارد که در این رابطه ضعیف‌تر از میزان دینداری و ۲۱ درصد است، یعنی با افزایش میزان استفاده از رسانه‌های خارجی، میزان اعتماد سیاسی دانشجویان نیز کاهش پیدا می‌کند. متغیر دیگر استفاده از رسانه‌های داخلی است که رابطه مثبت و معناداری (۱۴ درصد) با اعتماد سیاسی داشته است؛ یعنی با افزایش استفاده از رسانه‌های داخلی، به میزان اعتماد سیاسی دانشجویان افزوده خواهد شد. بعد از این متغیر ارزش‌های مادی است که رابطه‌ای مثبت و معنادار به میزان ۱۳ درصد با اتحاد سیاسی دارد. متغیرهای ارزش‌های فرامادی، مشارکت در انجمن‌های غیردولتی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی هیچ رابطه معناداری با دیگر متغیرها ندارند.

نمودار ۳. مدل تحلیل مسیر تأثیر متغیرهای مستقل بر اعتماد سیاسی



همان‌طور که از مدل پیداست، استفاده از رسانه‌های خارجی رابطه‌ای منفی و معنادار (۱۴- درصد) با دینداری دارد؛ بنابراین با افزایش استفاده از رسانه‌های خارجی از دینداری کاسته خواهد شد. همچنین رابطه استفاده از رسانه‌های داخلی با دینداری ۱۱ درصد است، این رابطه معنادار و مثبت است و بدین معناست که با افزایش استفاده از رسانه‌های داخلی، به میزان دینداری افزوده خواهد شد.

همان‌طور که از مدل تحلیل مسیر پیداست، متغیر استفاده از رسانه‌های داخلی و خارجی نیز دارای رابطه‌ای غیرمستقیم با اعتماد سیاسی دارد که از ضرب دو به دوی مسیرها حاصل می‌شود. این اثر غیرمستقیم از طریق دینداری به میزان -0.075

است. متغیر استفاده از رسانه‌های داخلی نیز اثر غیرمستقیمی از طریق دینداری بر اعتماد سیاسی دارد که ۰/۰۱۵ است. درنهایت می‌توان گفت استفاده از رسانه‌های خارجی، از طریق دینداری بر اعتماد سیاسی اثر می‌گذارند؛ به‌صورتی که استفاده از رسانه‌های خارجی با کاهش دینداری و استفاده از رسانه‌های داخلی با افزایش دینداری بر اعتماد سیاسی ارتباط دارند. لازم به ذکر است اثر کل (مستقیم و غیرمستقیم) استفاده از رسانه خارجی و داخلی به ترتیب ۲۸- درصد و ۲۰ درصد است.

نتیجه‌گیری

از آنجا که تحقیق حاضر به دنبال بررسی عوامل مؤثر تأثیرگذار بر اعتماد سیاسی است، از میان نظریات مطرح شده در زمینه اعتماد (و به‌خصوص اعتماد سیاسی) بر اساس دیدگاه‌های سطح کلان، خرد و میانی، متغیرهایی برای تبیین موضوع مورد بحث انتخاب و به‌صورت تلفیقی به ارائه چهارچوبی نظری اقدام شد. در این راستا چهارچوب نظری تحقیق بر اساس تلفیق نظریه‌هایی مانند تئوری‌های سطح کلان اعتماد (ماکس وبر، اینگلهارت و پارسونز) با تئوری‌های تلفیقی (هابرماس، بوردیو و گیدنز) انجام پذیرفته است.

به‌طورکلی و با توجه به مباحث نظری و یافته‌های تحقیق، نتایج پژوهش در مورد متغیر وابسته (اعتماد سیاسی) نشان می‌دهد میانگین کلی اعتماد سیاسی در میان پاسخگویان ۳۷ درصد است و میانگین هر یک از ابعاد اعتماد سیاسی به ترتیب برای نظام سیاسی ۴۵/۳، اعتماد به کنشگران سیاسی ۳۱/۲ و اعتماد به نهادهای سیاسی ۳۴/۶ درصد است. این آمار به‌خوبی نشان می‌دهد بیشترین اعتماد را نظام سیاسی در بین پاسخگویان به خود اختصاص داده است که این مسئله خود مشروعیت نظام را در نزد پاسخگویان تأیید می‌کند. در مراتب بعدی بیشترین اعتماد را به ترتیب کنشگران سیاسی و در مرحله آخر نهادهای سیاسی به خود اختصاص داده‌اند.

همچنین نتایج تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد بین اعتماد سیاسی و دینداری رابطه مثبتی وجود دارد یعنی با افزایش دینداری، میزان اعتماد سیاسی نیز افزایش

می‌باید و این نتیجه به‌خوبی رابطه بین سطوح مختلف کنش و از جمله کنش سنتی ویر را بر نوعی اعتماد سیاسی سنتی که بر دین و دینداری استوار است، مشخص می‌کند و باز جدا نبودن دین و سیاست در ایران را تأکید و اثبات می‌کند.

از طرف دیگر بین استفاده از رسانه‌ها با اعتماد سیاسی نیز رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ در زمینه استفاده از رسانه‌های داخلی این رابطه مثبت و در زمینه ارتباط رسانه‌های خارجی، این رابطه منفی بوده است. همچنین استفاده از رسانه‌های داخلی و خارجی به‌صورت غیرمستقیم و از طریق دینداری بر اعتماد سیاسی تأثیرگذار بوده‌اند به‌صورتی که استفاده از رسانه‌های داخلی با افزایش دینداری و استفاده از رسانه‌های خارجی نیز با کاهش دینداری، بر اعتماد سیاسی تأثیرگذار بوده‌اند. این مطلب به‌خوبی نظریه گیدنز را در زمینه تأثیر وسایل ارتباط جمعی بر فرایند بازاندیشی در عرصه‌های مختلف و به‌خصوص اعتماد سیاسی تأیید می‌کند؛ به‌صورتی که استفاده از رسانه‌های خارجی با تشدید بازاندیشی در تفکر و ذهنیت جوانان زمینه را برای انتقاد از حکومت بالا برده و موجب کاهش اعتماد سیاسی می‌شود و از طرف دیگر استفاده از رسانه‌های داخلی با کاهش فرایند بازاندیشی زمینه را برای پذیرش ایدئولوژی‌ها و نهادهای سیاسی موجود فراهم می‌سازند.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد بین ارزش‌های مادی و اعتماد سیاسی نیز رابطه مثبتی وجود دارد یعنی هرچه ارزش‌های مادی بیشتر باشد اعتماد سیاسی نیز بیشتر می‌شود و برعکس، کاهش ارزش‌های مادی در بین دانشجویان به کاهش اعتماد سیاسی نسبت به حکومت منجر خواهد شد. بنابراین با توجه به اهمیت ارزش‌های مادی در میان دانشجویان، این مسئله به‌خوبی نشان می‌دهد در شرایط فعلی جامعه ایران هنوز تأکید بر ارزش‌های مادی اهمیت خود را از دست نداده و توجه به ارزش‌های مادی حتی در میان قشر روشنفکر جامعه (در اینجا دانشجویان) که از مبانی اصلی تحول ارزشی در جامعه هستند، به قوت خود باقی است و هنوز در کانون توجه قرار دارد.

بنابراین با تأیید فرضیه ارتباط بین ارزش‌های مادی و اعتماد سیاسی به حکومت، نظریه اینگلهارت به‌خوبی اثبات می‌شود. بر طبق این نظریه، جامعه‌ای که هنوز تحول ارزشی در آن صورت نگرفته بر مدار مسائل مربوط به نیازهای مادی،

امنیت جانی، نظامی و ثبات اقتصادی می‌گردد و بر همین اساس برای رفع نیازهای مادی به حکومتی متمرکز تمایل دارند، کمتر به شورش‌ها و جنبش‌های اعتراض‌آمیز علیه حکومت می‌پردازند و بیشتر به قربانی کردن استقلال فردی در ازای کسب ارزش‌های مادی تمایل دارند.

باید توجه داشت بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، در مورد اهمیت ارزش‌های مختلف باید گفت میانگین اهمیت ارزش‌های مادی ۴۷ درصد و ارزش‌های فرامادی ۴۰ درصد بوده است که بسیار نزدیک به هم هستند و این نشان‌دهندهٔ زمینه لازم برای تحول ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی است. اگر در آینده با کاهش یا حذف شرایط تورم اقتصادی، بسته‌های مشارکت مستقل و گفتگوی آزادانه گسترش یابد، تحول ارزشی از ارزش‌های مادی به فرامادی به‌خوبی خود را نشان خواهد داد. با توجه به اینکه ارزش‌های فرامادی معمولاً از طریق بالا رفتن سطح نسبی رفاه اجتماعی و بهبود شرایط مادی، و گسترش فضای عمومی و حوزه انتقاد و گفتمان شکل می‌گیرند و در شرایط فعلی نیز جامعه ایران به‌صورت محدود چنین تغییراتی را تجربه می‌کند، دست‌اندرکاران نظام سیاسی و فرهنگی باید اقدامات اساسی را در راستای نهادمندسازی، توسعه حوزه سیاسی و جذب نیروهای تازه‌ای که دارای ارزش‌های عام هستند، صورت دهند. همچنین متصدیان امور فرهنگی زمینه‌های مناسبی را برای هدایت ارزش‌های فرامادی آماده کنند تا پتانسیل مخربی که به‌وسیلهٔ ارزش‌های فرامادی در جامعه‌ای در حال گذار و بدون شکل‌گیری توسعه سیاسی و فرهنگی به‌وجود می‌آید، با درایت و هدایت به سازندگی و بالندگی و اعتماد تبدیل شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. علی ملک‌پور، تعارض فرهنگی دولت و مردم در ایران ۱۳۸۰-۱۳۵۷، (تهران: انتشارات آزاداندیشان، ۱۳۸۱)، ص ۱۳۵.
۲. سلمان صفدری، رضایت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهشگری علوم اجتماعی، (تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴)، ص ۱۴۵.
۳. علی یوسفی، اعتماد سیاسی و مشروعیت: بررسی تطبیقی مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران در سه شهر تهران، مشهد و یزد، پایان‌نامه دکترای (تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹).
۴. مسعود کوثری، بررسی تأثیر انسجام اجتماعی بر میزان مشارکت روستاییان استان خراسان در فعالیت‌های عمرانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، (تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵)، ص ۱۵۶.
۵. روبرت پانتام، دموکراسی و سنت‌های مدنی، مترجم: محمدتقی دلفروز، (تهران: سلام ۱۳۸۰)، ص ۲۸۵.
۶. مهدی امیرکافی، «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، نمایه پژوهشی، شماره ۱۸، ۱۳۸۰، ص ۱۳.
۷. منوچهر محسنی، بررسی آگاهی، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران، (تهران: دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور، ۱۳۸۰)، ص ۱۵.
8. Barbara Mistzal, *A trust in Modern Societies*, (Cambridge: Polity Press, 1996), p. 8.
۹. مهدی امیرکافی، پیشین.
۱۰. همان، ص ۱۴.
۱۱. همان، ص ۱۸.
12. Noreen Bretzer, *How Can Institutions Better Explain Political Trust than Capitals Do?* PHD Theses, (Sweden: University of Gothenburg, 2002), www.goggle.com, p. 5.
13. Kenneth Prewit, "Political Efficacy" in *International Encyclopedia of the Social Sciences*, (New York: The Macmillan Company, 1972), Vols 11-12, p. 225.
14. Clem Brooks & Simon Cheng, *Declinig Government Confidence & Policy*

Preferences in the U.S. Social Forces, (2001), pp. 1343-75.

15. Noreen Bretzer, *Ibid*, p. 7.

۱۶. علی یوسفی، پیشین، صص ۱۲۵-۱۲۰.

۱۷. علی یوسفی، «تأملی در مفهوم مشروعیت سیاسی، واریسی مدل نظری مشروعیت»، *دوماهنامه علمی - پژوهشی دانشگاه شاهد*، سال نهم، شماره ۳۹، ۱۳۸۱، ص ۱۲۰.

۱۸. ماتیہ دوگان، «سنجش مفهوم مشروعیت و اعتماد سیاسی»، مترجم: پرویز پیران، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۹۸-۹۷، ۱۳۷۴، ص ۹.

۱۹. باربارا میزتال، «بررسی اعتماد در میان جامعه‌شناسان کلاسیک»، مترجم: ناصرالدین غراب، *نمایه پژوهش*، سال پنجم، ۱۳۸۰، صص ۶۸-۶۵.

۲۰. فرانک پارکین، *ماکس وبر*، مترجم: شهناز مسمی‌پرست، (تهران: ققنوس، ۱۳۸۴)، ص ۱۰۹.

۲۱. گی روشه، *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*، مترجم: عبدالحسین نیک‌گهر، (تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، ۱۳۷۶)، ص ۱۰۸.

۲۲. همان، ص ۶۲ و

- Peter Hamilton, *Talcott Parsons*, (Routledge, 1983), p. 124.

- T. Parsons, *Societies, Evolutionary and Comparative Perspective*, (N.J.

Prentice Hall, 1966).

۲۳. جانانان ترنر، *پیدایش نظریه جامعه‌شناسی*، مترجم: عبدالعلی لهسایی زلد، (شیراز: فرهنگ، ۱۳۷۱)، ص ۵۵.

۲۴. آندره میشل، *جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج*، (تهران: انتشارات مؤسسه اطلاعات و تحقیقات اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۵۲)، ص ۶۶؛ مسعود چلبی، *جامعه‌شناسی نظم*، (تهران: نی، ۱۳۷۵)، ص ۱۰۲.

۲۵. قاسم محمدی، *اعتماد مردم به حکومت‌ها در سه دوره تاریخی مغول، صفویه و قاجاریه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، (تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۱)، صص ۲۰-۳۵.

۲۶. رونالد اینگلهارت، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، مترجم: مریم وتر، (تهران: کویر، ۱۳۸۲)، ص ۱۰.

۲۷. همان، ص ۷۳.

۲۸. آنتونی گیدنز، *پیامدهای مدرنیته*، مترجم: محسن ثلاثی، (تهران: مرکز، ۱۳۸۰)، صص ۴۴-۴۰.

۲۹. فیلیپ کسل، *چکیده آثار آنتونی گیدنز*، مترجم: حسن چاووشیان، (تهران: ققنوس، ۱۳۸۳)، صص ۴۱۵-۳۹۷.

۳۰. آنتونی گیدنز، *سیاست، جامعه‌شناسی و نظریه‌های اجتماعی*، مترجم: منوچهر صبوری، (تهران: نی، ۱۳۸۱)، ص ۱۳۰؛ فیلیپ کسل، پیشین، ص ۴۳۰.

31. J. Habermas, *Knowledge and Human Interests*, (Boston: Beacons press,

1971).

- J.Habermas, *Communiation and The Evolution of Society*, (Boston: Beacons press, 1979).

۳۲. یورگن هابرماس، *خرد، عدالت و نوگرایی*، مترجم: حریری، (تهران: قطره، ۱۳۸۰)، ص ۶۷.

۳۳. پی‌یر بوردیو، *نظریه کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی*، مترجم: مرتضی مردیها، (تهران: نقش و نگار، ۱۳۸۰)، ص ۲۱.

34. P.Bourdieu, *Distinction: A Social Critique of the Judgement of Tast*, (Cambridge: Cambridge press, 1987).

- P.Bourdieu, *The State Nobility*, (Cambridge: Polity Press, 1996).

- P.Bourdieu, *Practical Reason: on the Theory of Action*, (Cambridge: Polity Press, 1998).

۳۵. علی دلاور، *روش‌های تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی*، (تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۰)، ص ۱۲۵.

۳۶. فریبا شایگان، *انواع دینداری و تأثیر آن بر اعتماد سیاسی*، پایان‌نامه دکترای جامعه‌شناسی، (تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۶)، ص ۲۵۰-۲۰۰.

۳۷. آنتونی گیدنز، *پیشین*، ۱۳۸۰، ص ۱۰۶.

۳۸. حسین سراج‌زاده و مهناز توکلی، «بررسی تعریف عملیاتی دینداری در پژوهش‌های اجتماعی»، *فصلنامه پژوهش*، سال پنجم، شماره ۲۱-۲۰، ۱۳۸۰، صص ۱۸۸-۱۵۹.

۳۹. دلبرت میلر، *راهنمای سنجش و پژوهش‌های اجتماعی*، مترجم: هوشنگ ناییب، (تهران: نی، ۱۳۸۰)، ص ۴۰۰.